

اقتصاد مقاومتی

رسانه‌ها ذائقه برنجی مردم را تغییر دهند!

■ معصومه طاهری

با توجه به تحریم‌های اقتصادی و مشکلاتی که به دلیل انبوه واردات به‌خصوص در زمینه مواد غذایی وجود دارد اقتصاد مقاومتی کلبودن‌های طلایی است که مقام معظم رهبری برای برون‌رفت از چالش اقتصادی کنونی آن را مطرح کردند و بارها نسبت به اجرایی شدن آن تأکید داشته‌اند؛ رویکردی که می‌بایست با فرهنگ‌سازی آن را جدی گرفت و به کالبد اقتصاد کشور جانی دوباره بخشد.

در این میان یکی از مواد غذایی پرمصرف ایرانی‌ها برنج است که در طول سال‌ها به‌خصوص ۱۰۰ سال اخیر به یکی از غذاهای اصلی‌ها تبدیل شده است به همین خاطر بخشی از آن با واردات تأمین می‌شود در حالی که وابستگی کشور در مواد غذایی به واردات با اصول اقتصاد مقاومتی مغایر است. اما چرا تاکنون سعی نکرده‌ایم برنج را در وعده غذای ایرانیان کم کنیم؟! در واقع این کار رسانه‌ها و متخصصان تغذیه است که تلاش کنند

جایگزینی برای برنج معرفی کنند. این بحث البته درباره ماکارونی یا حدودی انجام شده؛ تا همین یک دهه قبل ماکارونی جایگاهی خاص در وعده‌های غذایی ایرانی نداشت اما تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم رسانه‌ای باعث شد این غذای جدیدالورود به یک وعده هفتگی تبدیل شود؛ حتی توانسته است در یادگان‌ها و دانشگاه‌ها نیز جزو لیست غذایی قرار بگیرد. پس رسانه می‌تواند نقش مهم خود را ایفا کند؛ البته بحث دیگر آن است که غذاهای بدون برنج زیادی در تلویزیون آموزش داده می‌شود، ولی باز هم برنج غذای اصلی ایرانیان است؛ در این باره باید گفت نوع تبلیغ و کارکرد آن مهم است.

کره‌ای‌ها سرریالی تلویزیونی به نام «پاستا» ساختند که در شبکه‌های ماهواره‌ای به نمایش درآمد و پس از آن در ایران دوبله و چندین بار پخش شد؛ یعنی یکی نیاز تازه با یک مجموعه تلویزیونی ایجاد شد در کنار آن رستوران‌ها هم اقدام به طبخ پاستا کردند و تلویزیون هم آموزش این غذاها را در سبک‌ها و طعم‌های مختلف در برنامه‌های خود گنجاند؛ یعنی یک شبکه و تزئین‌های از فعالیت‌های رسانه‌ای و خدماتی و آموزشی در طول این زمان ایجاد و در کنار عملیاتی کرد.



سوءاستفاده جنسی به کمپانی دیزنی رسید

■ فریزن ماندگار

تازه‌ترین اتهام سوءاستفاده جنسی در هالیوود به‌ویط می‌شود به جایی که اتفاقاً محصولانش را برای کودکان می‌سازد؛ دیزنی لند جایی است که تقریباً همه با آن آشنا هستند و نام آن با کودکان گره خورده است اما در ادامه نوار افشاگری‌های جنسی در هالیوود نام کمپانی دیزنی به میان آمده است. جان کبیلی، مدیر بخش نشر موسیقی دیزنی با سه مورد اتهام سوءاستفاده جنسی از کودکان روبه‌رو شده است.

۵۸ساله با آزار جنسی دو دختر زیر سن قانونی در یک دهه پیش رویه‌رو شده است. نخستین دختر قربانی در زمان وقوع جرم ۱۵ ساله بوده و ادعا شده او سوءاستفاده از دختر دوم را از زمانی که قربانی ۱۱ سال داشت شروع کرد که تا ۱۵ سالگی وی ادامه داشت. سخنگوی دیزنی در بیانیه‌ای گفت کمپانی اواخر جمعه از این ماجرا مطلع شده و هبلی را معلق کرده است. سخنگوی دیزنی به این اشاره کرده که بلافاصله پس از مطلع شدن از این مسئله او بدون پرداخت حقوق و تازمانی که دادگاه تکلیف وی را روشن

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۴

نگاهی به فیلم «اشنوگل»

فیلمی برای زنده نگه داشتن شهامت ایرانی



■ ایمان هادی

آثار متوسط‌سینمایی دفاع مقدس از بهترین فیلم‌های سینمای اجتماعی، در شرایط کنونی، دارای مزیت‌های ویژه هستند؛ مزیت‌هایی که عمق نگاه تماشاگر، به واسطه تجلی شهامت، به یک حماسه بزرگ متصل می‌شود. فیلم‌های اجتماعی نمای سینمای ایران، احوالات دارند در شرایطی که برنج زیادی وارد کشور می‌شود که بار هزینه‌ای بالایی به دوش اقتصاد دارد، سازمان‌ها و ادارات به جای طبخ برنج به‌خصوص پایتخت که کارمندان حتماً ناهار خود را می‌خورند و به خانه می‌روند، غذاهای مناسب غیر از برنج ارائه شده؛ چه آن که مطمئناً تنها با حذف برنج از وعده غذایی سازمان‌ها و ادارات رزق قابل توجهی از نیاز کشور به وارد کردن این ماده دیگر آن است که غذاهای بدون برنج زیادی در این شرایط اقتصادی باید ابتدا خود سازمان‌ها و ادارات دولتی ورود پیدا کنند و در این رابطه فرهنگ‌سازی صورت بگیرد بعد رسانه‌ها در آخر سراغ مردم برویم چون شعار بدون عمل هیچ‌گاه تأثیری نداشته است.

در این نوشتار قصد نداریم تا بگویم کی در جامعه ایران برنج نخورد، بلکه منظور آن است که با توجه به شرایط اقتصادی کنونی و این که برنج محصول پرمصرف وارداتی است بهتر است برای تقویت و فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی در جامعه از همین امور به‌ظاهر ساده‌ها شروع شود و در مصرف آن صرفه‌جویی داشته باشیم تا ناچار به وارد کردن برنج به میزان زیاد نگرسیم. آن هم برنج‌های خارجی با قیمت‌های بالا که از سلامت آنها هم خبر نداریم؛ لذا تنها با فرهنگ‌سازی می‌توان اقتصاد مقاومتی را عملیاتی کرد.

سنان و زمان نمایش را در اختیار دارد، اما اثر قابل‌اعتنایی است که در خیل آثار بی‌مسئله خود را به تماشاگر تحمیل می‌کند. «اشنوگل» با وسواس ساخته شده و به شکل طبیعی، مثل هر اثر هنری، دارای اشکالاتی است. اما این اشکالات ریشه در دیدگاه تهیه‌کننده‌اش دارد. هر دو کارگردان با نهایت تلاش و وسواس، از یک فیلمنامه کاملاً تلویزیونی به سبک و سبقت ابراهیم اصغری، یک اثر سینمایی قرض و محکم ساخته‌اند.

■ جسارت و رندی تکنیکی

اگر اشکالی در فیلم وجود دارد، به دیدگاه‌های تألیفی تهیه‌کننده بازمی‌گردد و البته در متن فیلم کاملاً مشخص است که صرفی در کارنامه‌اش ثبت کرده است. رندی تکنیکی، ساختار تألیفی و همواره کلیشه‌ای تهیه‌کننده را دور بزنند.

هر اثری که در مقام تهیه‌کننده به ابراهیم اصغری واگذار شده، به همین نقصان کیفیت پایین سینمایی دچار است و در میان آثار اصغری، اشنوگل یک استثنا محسوب می‌شود. با این وجود کیفیت حضور بازیگران، رچیم نوروزی، کاوه سماک‌باشی، برزو ارجمند و تلاش تکنیکال دو کارگردان فیلم، علی‌سلمانی و هادی حاجتمند را نمی‌توان به حساب ابراهیم اصغری نوشت.

«اشنوگل» را اگر ابراهیم اصغری تهیه نمی‌کرد مأموریت تولید فیلم را تهیه‌کننده حرفه‌ای‌تری بر عهده می‌گرفت؛ قطعاً حاصل اثر زیباتر و خوش‌ساخت‌تری می‌شد. اما آنچه فیلم را جذاب و اثر را از کارنامه بکتناوخ اصغری در تولید جدا می‌کند، تلاش دو کارگردان بااراده و خلاق فیلم اشنوگل است. کاملاً ساده‌اش است که دو کارگردان از سناریوی نخست تهیه‌کننده، جسورانه عبور کرده‌اند و فیلم خودشان را ساخته‌اند. اگر سینمای دفاع مقدس قرار است که آثار ارزشمندتری را تهیه‌کند، قطعاً نیاز به تهیه‌کنندگان حرفه‌ای و سازمان حرفه‌ای‌تری دارد. در اشنوگل خواهیم فهمید، استعداد دو فیلمساز جوان فیلم‌اولی اشنوگل و عوامل سازنده، خیلی جلوتر از تألیفات سابق و بی‌مسئله‌تهیه‌کننده است. در فیلم «اشنوگل» کاملاً مشخص است که کارگردانی مبتنی بر ریتم، فاصله‌چندین هزار کیلومتری با فیلمنامه اولیه این اثر دارد و با بازیابی ساختار کلی در خواهیم یافت که دو کارگردان محترم فیلم، از بندهای مضمونی و همیشه کلیشه‌ای احتمالا تمثیلی، جسورانه عبور کرده‌اند.

اگر در این مجال درباره تهیه‌کننده اقتاداتی طرح شده، صرفاً به این دلیل است که ساختار کلی اشنوگل، از تباطی به آثار مؤخر تهیه‌کننده ندارد. در غیر از دو فیلم «مردی از جنس بلور» و «مردی شبیه باران» که به درستی از یک محدوده

با اینکه لحظات کوتاهی جلوی دوربین حضور دارد، اما تبدیل به شخصیتی عمیق و تأثیرگذار می‌شود. زمانی که قصه حفر تونل مطرح می‌شود، زوایای روایت در ابتدای فیلم دائماً تغییر می‌کند، این شگردها در کارگردانی با مرانامه تألیفی اصغری، کاملاً در تعارض است. چنین کارگردانی منحصر به فردی، در چارچوب روایت، استعداد کارگردان‌های فیلم را از متن اثر جدا می‌کند. قطعاً هر فیلم جنگی قبل از نیاز به یک فیلمنامه‌منسجم، نیاز به کارگردانی تکنیکال و جسورانه دارد. آنچه جاذبه ایجاد می‌کند این است که تنوع بصری، یک فیلمنامه ساده را تبدیل به اثری کرده که مخاطب برای کشف رازی بزرگ، یک هزارتوی پیچیده را طی می‌کند. نقطه قوت فیلم هم این است که متن اثر پیچیده‌نمایی نمی‌کند و خیلی ساده سعی می‌کند، مخاطب را از این هزارتوی پیچیده بیرون بیاورد.

تقابل شهامت و وحید (سرور ارجمند) در مکزکی به مناطق حاصلخیز حدفاصل استان‌های چهارمحال بختیاری و اصفهان انتقال دادند تا بازرگر یک نمایش تئاتری اصیل را کاملاً سینمایی کرده‌اند. از جدال همایش راست و دروغ در بازجویی‌های اولیه، خط اصلی درام با پیش‌فرض‌های معمولی پیش می‌رود و همین ترنند نمایشی سبب می‌شود، فلاش‌بک‌های حماسی به دوران دفاع جذاب باشند.

■ یک سنننر منطقی دراماتیک

در فیلم اشنوگل، اصالت یک حماسه را به صورت فردی و جمعی تجربه می‌کنیم. فیلم از کلی‌گویی و شعار برهیز می‌کند و تمپو و تم شاد‌شده‌ای حماسه فردی یونس (کاوه سماک‌باشی) را به نمایش می‌گذارد. حماسه فردی یونس با جزئیات در نحوه کارگردانی به نقطه نقل روایت تبدیل می‌شود و در مرحله بعدی، حماسه جمعی بدون اشارات گل‌درشت، یک سنننر منطقی دراماتیک ارائه می‌شود. به همین دلیل زمانی که پلاک لوپک را در محل دفن جمعی شهدا پیدا می‌کنند، مخاطب با دیندین یک صحنه و یک پلاک، با عطف به چند دیالوگ کوتاه، نوعی برانگیختگی و شورش ملی را در میان تصاویر فیلم کشف می‌کند که تصاویر موصوف، حسی عمیق را برمی‌انگیزند.

البته در بازگویی یک قصه جنگی و حماسی، سازندگان هیچگاه قصه معمولی خود را‌ها نمی‌کنند، چون تم و تمپوی فیلم بر اساس یک روایت معمولی بنا شده است. یکی از عیوب بزرگ آثار با مضمون دفاع مقدس گل‌درشت‌نمایی است؛ سازندگان چندان وجه انسانی‌های رزمندگان را تصور کرده‌اند که لوپک (قهرمان مسیحی) در فیلم،

فکر و اندیشه

یکی از عیوب بزرگ آثار با مضمون دفاع مقدس گل‌درشت‌نمایی است؛ اما سازندگان «اشنوگل» چنان وجه انسانی رزمندگان را تصویر کرده‌اند که صحنه شهادت کاراکتری مثل ماشاءالله، (یکی از شخصیت‌های فرعی) کسی که منسغول حفر تونل است، شعاری و حتی کلیشه‌ای نیست

«پربدن از روی دیوار آتش» روایتگر داستان پدر اینترنت ایران شده بود که در نهایت آن را حذف کردند و به این نتیجه رسیدیم که شخصیت اصلی مستند نیازی به برزنت ندارد و وجود مصاحبه در این مستند ریتم فیلم را از بین می‌برد. وی اضافه کرد: سعی کردم در «پربدن از روی دیوار آتش» بیوگرافی شخصیت اصلی را به تصویر بکشم همچنین به فعالیت‌های وی در دوران جوانی و در جهاد سازندگی شاهرود اشاره کرده‌ام که از آن جمله می‌توان به درست کردن دفترچه خانوار روستایی اشاره کرد که در همان سال تبدیل به طرح برتر جهاد سازندگی در ایران می‌شود. ایجاد جاده شاهرود به گرگان از مسیر جنگل تویسک تا مسول ۱۱۰ کیلومتر از دیگر کارهای وی است.

صنغوری با اعلام اینکه «پربدن از روی دیوار آتش» در دانشگاه علم و صنعت، شاهرود، گرگان، روستای شاهکو، روستای قرن آباد فیلمبرداری شده است، بیان کرد: بخشی از این مستند خاطره‌بازی با شخصیت اصلی فیلم و بخش دیگری از آن بررسی نظریه‌های مختلف از جمله نظریه مرگ مجازی یا بررسی شهر الکترونیک است. این کارگردان جوان ادامه داد: پروفیسور علی‌اکبر جلالی به دلیل آنکه به خوبی می‌دانست که قرار است چه مستندی ساخته شود، همکاری کاملی با ما انجام داد. علی‌اکبر جلالی در این مستند به خاطرات خود در زمان کار در جهاد سازندگی، دانشگاه علم و صنعت، حضور در امریکا، نظریه موج چهارم، مرگ حقیقی مرگ مجازی پرداخت.



اتفاقی رخ داده است، یک رفرنس معتبر داشته باشند. وی با تأکید بر اینکه اگر فردی مانند دکتر جلالی نبود اینترنت در ایران به شکل امروزی وجود نداشت، توضیح داد: برای ساخت این مستند بیش از یک سال و نیم تحقیقات انجام دادم و در این مدت متوجه شدم که علی‌اکبر جلالی ابعاد بسیاری دارد و می‌توان یک مستند قابل توجه درباره وی ساخت.

این مستندساز افزود: فیلمبرداری این پروژه نزدیک به ۲۰ روز طول کشید ولی پس‌تولید آن زمان بسیاری برد؛ مثلاً چهار ماه ندوین آن طول کشید و نزدیک به یک ماه نیز صداگذاری و تصحیح رنگ انجام شد. صنغوری با اشاره به اینکه در این مستند به روستاهای مختلفی که علی‌اکبر جلالی در آن حضور داشته سر زده شده است و علاوه بر آن یک خط دراماتیک نیز در فیلم دنبال می‌شود، گفت: البته در کشور و در زمینه شکل‌گیری و پیشرفت اینترنت چه

رسانه ملی زیره به گرم‌ان می‌برد!

■ حسن روانشید*

زهی تأسفاً از عملکرد بعضی از مسئولان که بافقد اطلاعات ضروری در حیطه وظایف خود هستند یا تعارف از بین خودشان بیرون نرفته‌اند و بند و تبصره نان قرض دادن به یکدیگر بیشتر بهره می‌برند(۱) و به‌جای مدیریت هزینه‌ها و استفاده از فرصت‌ها برای صادرات سه واردات بیشتر علاقه‌مندند! همانگونه که اقتصاد ما همچنان گرفتار واردات بی‌رویه‌ای است تا علاوه بر ضربه زدن به تولید داخلی هزینه‌ساز باشد!شاه‌راهی کشور ما هرکدام بر اساس موقعیت‌های سوق الجیشی و همچنین اکوسیستم طبیعی خود نیازمند خدماتی هستند اما در ابعاد دیگر ارزش‌های افزوده بالایی دارند. بنابراین‌رسم می‌طلبد که مدیران آن، ظرفیت‌ها را شناسایی و بر اساس الاهی فم‌الاهم با آن رفتار نمایند. سال‌هاست این بی‌تفاوتی و عدم توجه به توانایی‌های موجود در هر منطقه علاوه بر خسارات مالی برای بیت‌المال، هزینه‌های معنوی نیز برای ذیقنان ایجاد می‌کند که قسمت دوم آن به‌هیچ‌وجه قابل جبران نیست زیرا انگیزه‌ها را از بین می‌برد. این روش رفتار ناز‌زای نیست همانگونه که صنایع ذوب‌آهن و فولاد کشور را نیم‌قرن پیش به‌جای احداث در ساحل خلیج‌فارس یا کویر تقابل شهامت و وحید (سرور ارجمند) در مکزکی به مناطق حاصلخیز حدفاصل استان‌های چهارمحال بختیاری و اصفهان انتقال دادند تا امروز با مفضل الودگی شدید هوا در کلاشهرها روبه‌رو شوند یا در مناطق جنوبی همچون استان فارس که همیشه با مشکل نگران‌کننده کمبود آب روبه‌رو بوده اجازه کشت برنج که نیاز فراوان به آب دارد داده‌اند در حالی‌که شالیزارهای شمال کشور را تبدیل به کارخانه‌های تولید محصولات ساختمانی از جمله پروفیل، سیمان و اجزای می‌نمایند

حالا وقتی پای سخن مسئولان می‌نشیند سعی بر جویچه اقدامات خود دارند و مسائلی همچون روکود و بیکاری را عامل این دوگانه عمل کردن‌ها ذکر می‌کنند تا مخاطب را متعجب نماید! اما بعضی از رفتارها هیچگونه توجیهی به‌جز زیره به گرم‌ان برون ندارد.

اصفهان پایتخت فرهنگ و هنر ایران یکی از معدود شهرهای ایران است که در این باره با مازاد تولید مواجه است، علاوه بر اینکه نصف جهان نیازمند موزه نیست چون خود صاحب صدها موزه و پارک ک موزه طبیعی است، از نظر هنرمندان صحنه و مجری می‌تواند حرف اول را می‌زند به‌خصوص اگر از نوع شاد آن باشد اما ۵شهر را در احصار پایتخت‌نشین گذاشته که نان قرض دادن از تانهای می‌کند. پس از دو دوره هم در روزهای جمعه هر هفته که نوبت اول با ممنوع‌التصویر شدن و بار دوم با از هوش ماندن و تعطیل شدن است. امروز به‌جای استفاده از هنرمندان محلی که علاوه بر ذوق و قریحه کمک بودن شناسایی کاملی از همه زوایای این شهر تاریخی و زیبا دارند باز هم به‌سوی هنرمندان پایتخت‌نشین که تنها با برپایی و گز اصفهان آشنایی دارند رفته و داستان قدیمی مر جری پروازی را تکرار می‌کنند تا داغی باشد بر دل صدها هنرمند خانه‌نشین که هر کدام شاعرگان رضا ارحام صدرها و ناصر فرمندها بوده‌اند و می‌توانند بدون تحمیل هزینه‌بر دوش بیت‌المال و با ارائه هنر به سبک اصفهان آن هم در شهر خودشان، مخاطبان را علاوه بر استان و استفاده از شبکه دیجیتالی این رسانه در سراسر کشور و جهان به وجد آورند.

اگر رسانه ملی با کمبود بودجه روبه‌رو است و خود را ناگزیر به قبول آگهی‌های مختلف می‌داند و اوقات ارائه محتوا را به برترنازها وصله از سازمان‌های آب، برق، گاز و تبلیغ برای برقرارکنندگان کلاس‌های کنکور اختصاص می‌دهد، پس چگونه می‌تواند جهت اعزام یک مجری پروازی هزینه نموده و زیره به شهری ببرد که خود تولیدکننده آن است؟ اصفهان مهد هنر است اما مدیران فرهنگی آن از جمله صداوسیما از استان‌های دیگر انتخاب و اعزام می‌شوند همانگونه که به مجریان و هنرمندان محلی اعتنا نمی‌شود!

*روزنامه‌نگار پیشکسوت

«تماشاخانه سرو» اوایل دی‌ماه باز گشایی خواهد شد

امیرتصیریبگی، مدیرعامل گروه هنرهای نمایشی روایت فتح از بازگشایی «تماشاخانه سسرو» و در ماه امسال خبیر داد. امیرتصیریبگی، مدیرعامل گروه هنرهای نمایشی روایت فتح در گفت‌وگو با روابط عمومی نیباد فرهنگی روایت فتح درباره اقدامات انجام شده جهت بازگشایی تماشاخانه سرو گفت: «قریب یک سال بود که این تماشاخانه پذیرای بسیاری از نمایش‌های ارزشی به‌خصوص در حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بود، اما به دلیل شروع اقدامات مهندسی و نقشه‌برداری جهت ساخت پردیس فرهنگی هنری روایت فتح، این تماشاخانه با تعطیلی چندماهه مواجه شد. اما از آنجایی که قصد ما این بود که همچنان از ظرفیت حمایتی گروه هنر‌های نمایشی روایت فتح استفاده شود، لذا در همین راستا پروگرمی‌های لازم انجام و جلسات متعددی برگزار شد.»